



تحلیل جامعه شناختی تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر نشاط اجتماعی در بین جوانان شهر تبریز

حسین صفری^۱

۱. استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

* ایمیل نویسنده مسئول: h.safari@pnu.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش بررسی تأثیر سه خرده‌مقیاس میزان استفاده، نوع استفاده و میزان اعتماد در شبکه‌های اجتماعی بر نشاط اجتماعی جوانان شهر تبریز است. پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر نوع داده‌ها، کمی است. روش اجرای تحقیق پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها دو پرسشنامه استاندارد بوده است: پرسشنامه شبکه‌های اجتماعی جهانی (۱۳۹۷) با سه بُعد میزان استفاده، نوع استفاده و میزان اعتماد به کاربران و پرسشنامه نشاط اجتماعی آکسفورد (۱۹۸۹). جامعه آماری شامل جوانان ۱۵ تا ۳۰ سال شهر تبریز و حجم نمونه ۲۳۰ نفر است که به روش نمونه‌گیری زنجیره‌ای انتخاب شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۷ و روش رگرسیون دو متغیره استفاده شد. نتایج نشان داد سطح نشاط اجتماعی جوانان در حد بالا قرار دارد. همچنین سه خرده‌مقیاس شبکه‌های اجتماعی تأثیر معناداری بر نشاط اجتماعی دارند. میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی بیشترین تأثیر را بر نشاط اجتماعی داشته است ($\beta=0.63$, $p<0.001$). تأثیر نوع استفاده برابر با $\beta=0.53$ و میزان اعتماد به کاربران برابر با $\beta=0.54$ بوده است (هر دو با $p<0.001$). بنابراین استفاده بیشتر، کاربری هدفمندتر و اعتماد بالاتر در شبکه‌های اجتماعی به افزایش نشاط اجتماعی جوانان منجر می‌شود. نتایج پژوهش نشان داد شبکه‌های اجتماعی مجازی از طریق گسترش سرمایه اجتماعی، افزایش تعاملات ارتباطی و تقویت حس اعتماد، در ارتقای نشاط اجتماعی جوانان نقش مهمی دارند. استفاده هوشمندانه و آگاهانه از این شبکه‌ها می‌تواند به بهبود روابط اجتماعی، تقویت هویت فردی و رشد فرهنگی کمک کند. در مقابل، بی‌اعتمادی یا استفاده ناصحیح ممکن است آثار منفی بر احساس رضایت اجتماعی و نشاط جوانان داشته باشد. بنابراین تقویت فرهنگ استفاده مسئولانه از فضای مجازی و توسعه برنامه‌های آموزشی و فرهنگی در این زمینه ضروری است.

کلیدواژه‌گان: شبکه‌های اجتماعی، نشاط اجتماعی، جوانان، اعتماد اجتماعی، سرمایه اجتماعی، تبریز.

تاریخ ارسال: ۵ تیر ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۲۲ آبان ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۲۹ آبان ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۲۵ آذر ۱۴۰۳



How to cite: Safari, H. (2024). A Sociological Analysis of the Impact of Social Networks on Social Vitality among the Youth of Tabriz. *Training, Education, and Sustainable Development*, 2(3), 1-14.



© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

A Sociological Analysis of the Impact of Social Networks on Social Vitality among the Youth of Tabriz

Hossein Safari^{1*}

1. Assistant Professor, Department of Social Sciences, Payam Noor University, Tehran, Iran.

*Corresponding Author's Email: h.safari@pnu.ac.ir

Abstract

This study aimed to examine the effect of three subscales—amount of use, type of use, and level of trust in social networks—on the social vitality of young people in Tabriz. The study is applied in purpose and quantitative in nature. It employed a survey method using two standard questionnaires: Jahanbani's (2018) Social Networks Questionnaire with three dimensions (amount of use, type of use, and trust in users) and the Oxford Social Vitality Questionnaire (1989). The statistical population consisted of 230 youths aged 15–30 in Tabriz, selected through chain sampling. Data analysis was conducted using SPSS version 27 and bivariate regression tests. Results indicated that the youth's social vitality level is high. All three subscales of social networks had a significant effect on social vitality. The amount of use of social networks had the strongest effect ($\beta=0.63$, $p<0.001$), followed by type of use ($\beta=0.53$, $p<0.001$) and level of trust in social network users ($\beta=0.54$, $p<0.001$). Thus, greater use, purposeful engagement, and higher trust within social networks are associated with increased social vitality among youth. The findings suggest that virtual social networks enhance youth social vitality through expanding social capital, improving interpersonal communication, and strengthening trust. Conscious and responsible use of social networks can foster stronger social relationships, personal identity, and cultural development. Conversely, misuse or low trust can diminish social satisfaction and vitality. Promoting digital literacy and constructive engagement in online spaces is therefore essential for sustaining social well-being.

Keywords: *Social networks; Social vitality; Youth; Social trust; Social capital; Tabriz*

Submit Date: 25 June 2024

Revise Date: 12 November 2024

Accept Date: 19 November 2024

Publish Date: 15 December 2024

گذار جامعه از سنت به مدرنیته، تحولات بنیادینی در ابعاد روانی، اجتماعی و فرهنگی زندگی انسان‌ها ایجاد کرده است. یکی از مفاهیم مهمی که در بستر این تحولات مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته، «نشاط اجتماعی» است؛ مفهومی که نه تنها بازتابی از سلامت روانی و رضایت فردی افراد جامعه است، بلکه شاخصی برای ارزیابی کیفیت زندگی اجتماعی و سطح توسعه‌یافتگی جوامع محسوب می‌شود (Atabaki et al., 2025). در دنیای معاصر که فناوری‌های ارتباطی و شبکه‌های اجتماعی مجازی به بخشی جدایی‌ناپذیر از زیست اجتماعی تبدیل شده‌اند، میزان و نوع استفاده از این ابزارها و نیز اعتماد کاربران به یکدیگر در فضای مجازی، از عوامل کلیدی مؤثر بر احساس شادی، همبستگی و نشاط اجتماعی افراد، به‌ویژه جوانان، شناخته می‌شوند (Akhavan Malayeri et al., 2014).

نشاط اجتماعی در معنای جامعه‌شناختی خود، حالتی از رضایت و شادکامی جمعی است که در نتیجه احساس تعلق، همبستگی و اعتماد اجتماعی شکل می‌گیرد. از دید جامعه‌شناسان کلاسیک، نشاط اجتماعی محصول ارتباطات سالم و سازنده در درون جامعه است؛ به گونه‌ای که فرد در تعاملات اجتماعی خود احساس ارزشمندی، احترام و معنا کند (Rabbani et al., 2007). در جامعه‌شناسی مدرن نیز این مفهوم در ارتباط با کیفیت سرمایه اجتماعی، میزان مشارکت مدنی و اعتماد نهادی تحلیل می‌شود (Coleman, 2018). در واقع، هر اندازه سطح اعتماد، مشارکت و تعاملات اجتماعی در جامعه بیشتر باشد، احساس نشاط و امید اجتماعی نیز تقویت می‌شود.

از منظر نظریه‌های اجتماعی، نشاط اجتماعی با مفاهیمی همچون «سرمایه اجتماعی»، «اعتماد نهادی» و «انسجام اجتماعی» پیوندی مستقیم دارد. کلمن سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از روابط، هنجارها و اعتماد متقابل میان اعضای جامعه می‌داند که کنش‌های جمعی را تسهیل می‌کند و موجب رضایت اجتماعی و احساس خرسندی در زندگی می‌شود (Coleman, 2018). پانتم نیز در تبیین نقش سرمایه اجتماعی تأکید می‌کند که هرچه مشارکت اجتماعی و شبکه‌های ارتباطی افراد گسترده‌تر باشد، احتمال بروز احساس شادی و رضایت اجتماعی نیز افزایش می‌یابد (Pantam, 2011). این دیدگاه‌ها نشان می‌دهند که نشاط اجتماعی تنها یک تجربه ذهنی نیست، بلکه ریشه در ساختارهای اجتماعی و شبکه‌های ارتباطی دارد که روابط میان افراد را سامان می‌بخشند.

در ایران نیز توجه به نشاط اجتماعی به‌ویژه در میان قشر جوان از اهمیت زیادی برخوردار است. مطالعات متعددی نشان داده‌اند که سطح کلی نشاط و شادکامی در جامعه ایرانی در حد متوسط یا پایین است و بخش قابل توجهی از شهروندان احساس رضایت کافی از زندگی اجتماعی خود ندارند (Sharifzadeh et al., 2017). گزارش روزنامه دنیای اقتصاد درباره شاخص جهانی شادی نیز بیان می‌کند که میانگین نمره شادکامی ایران در بازه سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۳ بین ۴ تا ۵ بوده و از حد متوسط جهانی فراتر نرفته است (Donyay-e-Eqtasad, 2019). این وضعیت بیانگر ضرورت بازنگری در عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی و یافتن سازوکارهایی برای ارتقای آن در سطح ملی است.

از جمله مهم‌ترین عواملی که در دهه اخیر بر کیفیت روابط اجتماعی و احساس نشاط تأثیر گذاشته، رشد شبکه‌های اجتماعی مجازی است. این شبکه‌ها به‌عنوان بسترهای جدید ارتباطی، نوعی از تعاملات انسانی را ایجاد کرده‌اند که مرزهای زمان و مکان را درنور دیده و الگوهای جدیدی از ارتباطات اجتماعی را شکل داده‌اند (Khujir, 2020). در ایران، همانند بسیاری از کشورهای جهان، میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی در میان جوانان رشد چشمگیری داشته است؛ به گونه‌ای که این فضا به یکی از مهم‌ترین محیط‌های تعامل اجتماعی آنان تبدیل شده است (Jahanibazeh, 2019).

پژوهش‌های مختلفی به بررسی ارتباط میان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و نشاط اجتماعی پرداخته‌اند. نتایج برخی از این مطالعات حاکی از آن است که حضور فعال در شبکه‌های اجتماعی می‌تواند از طریق تقویت سرمایه اجتماعی و افزایش فرصت‌های تعامل، به ارتقای نشاط اجتماعی بینجامد (Akhavan Malayeri et al., 2014). در مقابل، برخی دیگر از تحقیقات نشان داده‌اند که استفاده افراطی یا غیرهدفمند از این شبکه‌ها ممکن است به احساس انزوا، کاهش اعتماد اجتماعی و در نتیجه افت نشاط منجر شود (Khoshroo et al., 2022). به نظر می‌رسد

نوع استفاده از این شبکه‌ها و کیفیت روابط شکل گرفته در آن، عامل تعیین‌کننده‌ای در تأثیرگذاری آن‌ها بر احساس شادی و رضایت اجتماعی است.

نشاط اجتماعی، به‌ویژه در میان جوانان، از منظر توسعه انسانی و سرمایه فرهنگی جامعه اهمیت دارد. افشانی معتقد است که جوانان به‌عنوان موتور محرکه توسعه، نیازمند احساس امید، تعلق و نشاط اجتماعی‌اند تا بتوانند نقش خود را در پیشرفت جامعه ایفا کنند (Afshani, 2013). در این میان، تقویت نشاط اجتماعی نه تنها به افزایش سلامت روان و کاهش آسیب‌های اجتماعی می‌انجامد، بلکه می‌تواند بستر مشارکت مدنی، مسئولیت‌پذیری و اعتماد اجتماعی را نیز فراهم آورد. از این رو، بررسی عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی جوانان، به‌ویژه در بسترهای نوین ارتباطی، ضرورتی علمی و اجتماعی دارد.

مطالعه حاضر در امتداد این ضرورت علمی شکل گرفته و با تمرکز بر جوانان شهر تبریز، به بررسی تأثیر سه متغیر اساسی یعنی میزان استفاده، نوع استفاده و اعتماد به کاربران در شبکه‌های اجتماعی بر نشاط اجتماعی می‌پردازد. انتخاب این جامعه آماری از آن جهت اهمیت دارد که تبریز به‌عنوان یکی از کلان‌شهرهای ایران، دارای ترکیبی متنوع از طبقات اجتماعی و فرهنگی است و میزان نفوذ فناوری‌های ارتباطی در میان جوانان آن بالاست (Kalantari et al., 2016).

از دیدگاه جامعه‌شناسی ارتباطات، شبکه‌های اجتماعی مجازی به‌عنوان «فضاهای نوین تعامل اجتماعی» عمل می‌کنند که در آن افراد هویت‌های جدیدی را تجربه کرده و از طریق اشتراک‌گذاری محتوا، ایجاد گروه‌ها و تعامل متقابل، احساس تعلق و همبستگی را بازتولید می‌کنند (Jahanbani, 2018). این فضاها در صورتی که با اهداف فرهنگی، آموزشی و اجتماعی همراه شوند، می‌توانند فرصت‌های گسترده‌ای برای رشد اجتماعی، تبادل ایده و افزایش سرمایه اجتماعی فراهم آورند (Khoshroo et al., 2022). در مقابل، نبود نظارت فرهنگی و ناآگاهی از پیامدهای منفی آن می‌تواند موجب کاهش تعاملات واقعی، بی‌اعتمادی و افت نشاط اجتماعی شود (Hezar Jaribi & Moradi, 2014). از منظر نظری، نظریه‌های متعددی در تبیین ارتباط میان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و نشاط اجتماعی قابل استناد است. دیدگاه ساختارگرایانه گیدنز، که توسط کاسپرسن تبیین شده، تأکید دارد که اعتماد در نظام‌های اجتماعی مدرن یکی از پایه‌های اصلی امنیت وجودی انسان است؛ از این رو هر عاملی که بتواند اعتماد میان افراد را تقویت کند، به احساس شادی و امنیت اجتماعی نیز منجر می‌شود (Kaspersen, 2000). در همین راستا، نظریه سرمایه اجتماعی کلمن نیز بیان می‌کند که شبکه‌های ارتباطی گسترده، از طریق تسهیل همکاری و تبادل حمایت، رضایت اجتماعی را افزایش می‌دهند (Coleman, 2018).

تحقیقات داخلی نیز نشان داده‌اند که میزان مشارکت اجتماعی، حس اعتماد متقابل و حمایت اجتماعی، همگی با سطح بالاتری از نشاط و شادکامی اجتماعی همراه هستند (Samiei Esfahani et al., 2018). به همین ترتیب، نتایج پژوهش زارع شاه‌آبادی و همکاران نیز نشان داده است که کاهش اعتماد اجتماعی و افزایش احساس بی‌عدالتی، از عوامل مؤثر در کاهش نشاط در میان جوانان است (Zare Shahabadi et al., 2015). از سوی دیگر، مطالعه کلانتری و همکاران در میان جوانان دهلران نشان می‌دهد که رابطه‌ای مستقیم میان سرمایه اجتماعی و نشاط اجتماعی وجود دارد، به‌گونه‌ای که هرچه سطح مشارکت و اعتماد بیشتر باشد، احساس شادی و رضایت نیز افزایش می‌یابد (Kalantari et al., 2016).

نتایج پژوهش‌های فراتحلیلی نیز این الگو را تأیید می‌کند. آشایی و پروار در تحلیل خود بر مجموعه‌ای از مطالعات داخلی و خارجی، بیان کرده‌اند که مؤلفه‌هایی نظیر مشارکت اجتماعی، حمایت اجتماعی، احساس عدالت و اعتماد نهادی از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های نشاط اجتماعی هستند (Ashairi & Parvar, 2023). در همین چارچوب، آتابکی و همکاران، ضمن ترکیب دیدگاه‌های روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، نشاط اجتماعی را حاصل تعامل میان ارزش‌های فرهنگی و احساس تعلق فردی می‌دانند که در پرتو آموزش اجتماعی و تقویت ارتباطات مثبت، قابل ارتقا است (Atabaki et al., 2025).

در مجموع، مرور ادبیات نشان می‌دهد که نشاط اجتماعی نه تنها متغیری روان‌شناختی بلکه پدیده‌ای اجتماعی و چندبعدی است که از ساختارهای فرهنگی، اقتصادی و فناورانه تأثیر می‌پذیرد. رشد شبکه‌های اجتماعی مجازی، ضمن ایجاد فرصت‌های نوین برای ارتباط و تبادل اطلاعات، چالش‌هایی نیز برای هویت اجتماعی، اعتماد متقابل و سلامت روان به همراه دارد (Mohseni Tabrizi & Sedaghati Fard, 2011). از این رو، پژوهش حاضر تلاش می‌کند با نگاهی جامعه‌شناختی، نقش این شبکه‌ها را در ارتقای یا تضعیف نشاط اجتماعی جوانان بررسی کند و پاسخی علمی به این پرسش ارائه دهد که آیا میزان و نوع استفاده و سطح اعتماد در شبکه‌های اجتماعی مجازی، پیش‌بینی‌کننده سطح نشاط اجتماعی در میان جوانان هستند یا خیر.

روش‌شناسی

روش تحقیق بر حسب هدف کاربردی است، زیرا در راستای بهبود و تقویت نشاط اجتماعی انجام گرفته است. روش تحقیق بر حسب نوع داده‌ها نیز کمی است، زیرا داده‌ها و اطلاعات لازم از جوانان از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شده‌اند. مجموع نمرات هر یک از مفاهیم مورد اندازه‌گیری نشان‌دهنده نمره کمی فرد است. روش تحقیق بر حسب نحوه اجرا نیز پیمایشی است که در آن پرسشنامه‌ها در بین جوانان نمونه‌گیری شده توزیع و تکمیل گردیده است.

ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه استاندارد است. این پرسشنامه در سه بخش تنظیم شده است: ۱- سوالات مربوط به مشخصات جمعیت شناختی ۲- سوالات مربوط به شبکه‌های اجتماعی مجازی ۳- سوالات مربوط به نشاط اجتماعی.

برای سنجش شبکه‌ها و رسانه‌های اجتماعی از پرسشنامه استاندارد ۱۹ سوالی جهانپانی (۱۳۹۷) استفاده شده است. این پرسشنامه دارای ۳ بعد است و هر بعد دارای تعدادی پرسش می‌باشد. ابعاد و مولفه‌های پرسشنامه شامل میزان استفاده، نوع استفاده و میزان اعتماد به کاربران است. گویه‌های هر یک از این ابعاد و مولفه‌ها در طیف لیکرت پنج درجه‌ای اندازه‌گیری و نمره‌گذاری می‌شوند. در صورتی که نمرات پرسشنامه بین ۱۹ تا ۳۸ باشد، میزان شبکه‌ها و رسانه‌های اجتماعی ضعیف می‌باشد. در صورتی که نمرات پرسشنامه بین ۳۸ تا ۵۷ باشد، میزان شبکه‌ها و رسانه‌های اجتماعی در سطح متوسطی می‌باشد. در صورتی که نمرات بالای ۵۷ باشد، میزان شبکه‌ها و رسانه‌های اجتماعی بسیار خوب می‌باشد.

برای سنجش نشاط اجتماعی از پرسشنامه استاندارد آکسفورد (۱۹۸۹) استفاده شده است. این پرسشنامه دارای ۵ بعد است. گویه‌های هر یک از این ابعاد و مولفه‌ها در طیف لیکرت پنج درجه‌ای اندازه‌گیری و نمره‌گذاری می‌شوند. نمره‌گذاری پرسشنامه امتیازی است که از پاسخ به سوالات بدست می‌آید. این نمره بین ۲۹ تا ۱۴۵ است. نمره کمتر از ۵۸ به معنی نشاط اجتماعی ضعیف است. نمره بین ۵۹ و ۱۱۶ به معنی نشاط اجتماعی متوسط است. نمره بیشتر از ۱۱۷ به معنی نشاط اجتماعی بالا است.

اعتبار پرسشنامه نشاط اجتماعی از طریق اعتبار صوری و سازه برآورده شده و پایایی آن بر اساس آزمون آلفای کرونباخ ۰/۹۷ است. اعتبار پرسشنامه شبکه‌های اجتماعی نیز از طریق تحلیل اکتشافی برآورد شده و میزان پایایی آن برابر با ۰/۸۵ است.

جامعه آماری این پژوهش جوانان شهر تبریز در سال ۱۴۰۴ است. حجم نمونه از طریق فرمول کوکران ۲۳۰ نفر تعیین شده است و نمونه‌ها به روش نمونه‌گیری زنجیره‌ای انتخاب شده‌اند، زیرا چارچوب دقیق نمونه‌گیری در دسترس نیست.

با توجه به اهداف تحقیق و سطح سنجش متغیرها روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها شامل دو بخش است: ۱- در بخش توصیفی برای نشان دادن وضعیت جوانان در متغیرهای تحقیق از آماره‌های توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) استفاده شده است. ۲- در بخش استنباطی برای آزمون فرضیه‌ها آزمون رگرسیون دو متغیره بکار رفته است. برای این دو منظور از نرم افزار SPSS27 استفاده گردیده است.

یافته‌ها

برای توصیف متغیرهای جمعیت شناختی از آماره میانگین، مد، انحراف معیار و دامنه تغییر استفاده شده است. یافته‌های این آماره‌ها به شرح زیر است.

جدول ۱. توصیف متغیرهای جمعیت شناختی

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	مد	دامنه تغییر	ماکزیمم	مینیمم
جنس	-	-	زن	-	زن	مرد
سن	۲۲	۳/۳۴	۲۲	۱۴	۲۹	۱۵
تحصیلات	-	-	لیسانس	-	لیسانس	راهنمایی

با توجه به یافته‌های جدول بالا، بیشتر جوانان این پژوهش زن می‌باشند. میانگین سن جوانان ۲۲ بوده و بیشتر آن‌ها در سن ۲۹ سالگی قرار دارند. همچنین، بیشتر جوانان تحصیلات لیسانس دارند.

جدول ۲. توصیف متغیرهای اصلی تحقیق

متغیرها	میانگین	انحراف معیار
میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی	۲۰/۵۶	۱/۸۲
سرگرمی	۸/۳۴	۰/۶۷
نوع استفاده از شبکه‌های کاربردی اجتماعی	۸/۴۲	۰/۹۴
ارتباطی	۱۲/۲۷	۱/۳۳
اعتماد بر کاربران شبکه‌های اجتماعی	۱۳/۹۹	۲/۷۴
نشاط اجتماعی	۱۰۴/۸۱	۵/۸۴

نمرات متغیر میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی بین ۲۵-۵ است. میانگین این نمرات ۲۰/۵۶ بدست آمده است. این یافته نشان‌دهنده میزان بالای استفاده از شبکه‌های اجتماعی در بین جوانان است. در خرده مقیاس نوع استفاده از شبکه‌های اجتماعی، میانگین استفاده سرگرمی برابر با ۸/۳۴، میانگین استفاده کاربردی برابر با ۸/۴۲ و میانگین استفاده ارتباطی برابر با ۱۲/۲۷ است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که جوانان بیشتر استفاده ارتباطی از شبکه‌های اجتماعی دارند. نمرات متغیر اعتماد به کاربران بین ۳۵-۷ است. میانگین این نمرات ۱۳/۹۹ است. این یافته نشان می‌دهد جوانان اعتماد کمتری به کاربران شبکه‌های اجتماعی دارند. همچنین، نمرات نشاط اجتماعی بین ۱۴۵-۲۹ است. میانگین این نمرات ۱۰۴/۸۱ می‌باشد. این یافته نشان می‌دهد که نشاط اجتماعی جوانان در حد بالا می‌باشد.

برای آزمون فرضیه‌ها از تحلیل رگرسیون استفاده شده است. در این پژوهش هدف از تحلیل رگرسیون بررسی تاثیر خرده مقیاس‌های شبکه‌های اجتماعی بر نشاط اجتماعی است. قبل از آزمون فرضیه‌ها پیشفرض‌های تحلیل رگرسیون مورد بررسی قرار گرفته است. سطح معنی داری آزمون گولموگروف و اسمیرنوف برای همه متغیرها بالاتر از ۰/۵ است. بنابراین داده‌های متغیرهای تحقیق نرمال می‌باشند. همچنین، محدوده قابل قبول برای آماره دوربین واتسن عددی بین ۱/۵۰ تا ۲/۵۰ است و بیانگر استقلال نسبی باقیمانده‌ها از یکدیگر و عدم وجود خودهمبستگی بین باقیمانده‌ها است. بنابراین این پیشفرض نیز تایید می‌گردد.

فرضیه اول: میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بر نشاط اجتماعی جوانان تبریز تاثیر معنادار دارد.

جدول ۳. تحلیل رگرسیون تاثیر خرده مقیاس میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر نشاط اجتماعی

مقدار همبستگی بین متغیرها (R)	ضریب تعیین (R ²)	مقدار فیشر (F)	سطح معنی داری آزمون فیشر (sig.)	مقدار بتا (B)	مقدار تی (t)	سطح معنی داری آزمون تی (sig.)
/۰۶۳	/۰۴۰	۱۵۱/۳۵	/۰۰۱	/۰۶۳	۱۲/۳۰	/۰۰۱

با توجه به نتایج جدول بالا، میزان همبستگی بین متغیرهای نشاط اجتماعی با میزان استفاده از شبکه‌های مجازی اجتماعی /۰۶۳ است. از سوی دیگر، مقدار ضریب تعیین برابر با /۰۴۰ است و نشان می‌دهد که متغیر مستقل تحقیق ۴۰ درصد واریانس متغیر نشاط اجتماعی را تبیین می‌کند. سطح معنی داری آزمون فیشر برابر با /۰۰۱ و کمتر از /۰۰۵ است. بنابراین یافته بدست آمده برازش خوب داشته و قابل اطمینان است. بر اساس مقدار بتا میزان تاثیر متغیر میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر نشاط اجتماعی برابر با /۰۶۳ است. سطح معنی داری تاثیر این متغیر بر بی نشاط اجتماعی برابر /۰۰۱ است و نشان می‌دهد این تاثیر تصادفی نبوده و واقعی است. فرضیه دوم: نوع استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بر نشاط اجتماعی جوانان تبریز تاثیر معنادار دارد.

جدول ۴. تحلیل رگرسیون تاثیر خرده مقیاس نوع استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر نشاط اجتماعی

مقدار همبستگی بین متغیرها (R)	ضریب تعیین (R ²)	مقدار فیشر (F)	سطح معنی داری آزمون فیشر (sig.)	مقدار بتا (B)	مقدار تی (t)	سطح معنی داری آزمون تی (sig.)
/۰۵۳	/۰۲۹	۹۲/۰۲	/۰۰۱	/۰۵۳	۹/۵۹	/۰۰۱

با توجه به نتایج جدول بالا، میزان همبستگی بین متغیرهای نشاط اجتماعی با نوع استفاده از شبکه‌های مجازی اجتماعی /۰۵۳ است. از سوی دیگر، مقدار ضریب تعیین برابر با /۰۲۹ است و نشان می‌دهد که متغیر مستقل تحقیق ۲۹ درصد واریانس متغیر نشاط اجتماعی را تبیین می‌کند. سطح معنی داری آزمون فیشر برابر با /۰۰۱ و کمتر از /۰۰۵ است. بنابراین یافته بدست آمده برازش خوب داشته و قابل اطمینان است. بر اساس مقدار بتا میزان تاثیر متغیر نوع استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر نشاط اجتماعی برابر با /۰۵۳ است. سطح معنی داری تاثیر این متغیر بر بی تفاوتی اجتماعی برابر /۰۰۱ است و نشان می‌دهد این تاثیر تصادفی نبوده و واقعی است. فرضیه سوم: میزان اعتماد بر کاربران شبکه‌های اجتماعی بر نشاط اجتماعی جوانان تبریز تاثیر معنادار دارد.

جدول ۵. تحلیل رگرسیون تاثیر خرده مقیاس میزان اعتماد به کاربران شبکه‌های اجتماعی بر نشاط اجتماعی

مقدار همبستگی بین متغیرها (R)	ضریب تعیین (R ²)	مقدار فیشر (F)	سطح معنی داری آزمون فیشر (sig.)	مقدار بتا (B)	مقدار تی (t)	سطح معنی داری آزمون تی (sig.)
/۰۵۴	/۰۳۰	۹۵/۰۴	/۰۰۱	/۰۵۴	۹/۷۴	/۰۰۱

با توجه به نتایج جدول بالا، میزان همبستگی بین متغیرهای نشاط اجتماعی با میزان اعتماد به کاربران شبکه‌های مجازی اجتماعی /۰۵۴ است. از سوی دیگر، مقدار ضریب تعیین برابر با /۰۳۰ است و نشان می‌دهد که متغیر مستقل تحقیق ۳۰ درصد واریانس متغیر بی تفاوتی اجتماعی را تبیین می‌کند. سطح معنی داری آزمون فیشر برابر با /۰۰۱ و کمتر از /۰۰۵ است. بنابراین یافته بدست آمده برازش خوب داشته و قابل اطمینان است. بر اساس مقدار بتا میزان تاثیر متغیر مستقل بر نشاط اجتماعی برابر با /۰۵۴ است. سطح معنی داری تاثیر این متغیر بر بی تفاوتی اجتماعی برابر /۰۰۱ است و نشان می‌دهد این تاثیر تصادفی نبوده و واقعی است.

نتایج این پژوهش با هدف بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر نشاط اجتماعی جوانان شهر تبریز نشان داد که میان سه خرده‌مقیاس شبکه‌های اجتماعی یعنی میزان استفاده، نوع استفاده و میزان اعتماد به کاربران با سطح نشاط اجتماعی رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد. یافته‌ها بیانگر آن است که هرچه جوانان بیشتر از شبکه‌های اجتماعی استفاده کنند، سطح نشاط اجتماعی آنان نیز افزایش می‌یابد؛ ضمن آنکه نوع استفاده از شبکه‌ها و میزان اعتماد به کاربران نیز در ارتقای احساس شادکامی و رضایت اجتماعی مؤثر است. این نتایج درک تازه‌ای از کارکرد دوگانه شبکه‌های اجتماعی در ایجاد ارتباطات انسانی و بازتولید سرمایه اجتماعی در فضای مجازی ارائه می‌دهد و مؤید این فرض است که شبکه‌های اجتماعی، اگر به‌صورت هدفمند و آگاهانه استفاده شوند، می‌توانند به ابزاری برای ارتقای کیفیت زندگی اجتماعی و افزایش حس تعلق جمعی تبدیل شوند.

یافته نخست پژوهش نشان داد که بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و سطح نشاط اجتماعی جوانان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به بیان دیگر، هرچه میزان حضور و فعالیت کاربران جوان در شبکه‌های اجتماعی بیشتر باشد، احساس نشاط اجتماعی در آنان نیز بیشتر خواهد بود. این نتیجه با دیدگاه کلمن هم‌خوان است که تأکید دارد تعاملات اجتماعی و ارتباطات مستمر میان افراد، از طریق تقویت اعتماد و همکاری، زمینه ارتقای سرمایه اجتماعی و رضایت اجتماعی را فراهم می‌سازد (Coleman, 2018). در واقع، شبکه‌های اجتماعی بستری برای توسعه روابط انسانی و گسترش حمایت اجتماعی محسوب می‌شوند که می‌تواند حس تعلق، همدلی و شادی را در میان کاربران افزایش دهد. یافته حاضر با پژوهش آکاهوان ملایری و همکاران نیز همسو است؛ آنان نشان دادند که استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی سبب تقویت پیوندهای اجتماعی و افزایش احساس نشاط و خرسندی در میان کاربران می‌شود (Akhavan Malayeri et al., 2014). از دیدگاه آنان، شبکه‌های مجازی از طریق ایجاد امکان تبادل تجربیات، ابراز احساسات و مشارکت در فعالیت‌های جمعی، نوعی سرمایه اجتماعی جدید ایجاد می‌کنند که پیامد آن، افزایش احساس رضایت از زندگی اجتماعی است.

این نتیجه همچنین با نظریه اعتماد اجتماعی گیدنز نیز قابل تبیین است. گیدنز، که آثارش توسط کاسپرسن تحلیل شده، بیان می‌کند که در جوامع مدرن، اعتماد یکی از پیش‌نیازهای امنیت وجودی انسان است و روابط اجتماعی پایدار بر پایه اعتماد، نقش مهمی در ارتقای سلامت روان و نشاط اجتماعی دارد (Kaspersen, 2000). از این منظر، شبکه‌های اجتماعی که بر تعاملات مستمر و بازخوردهای دوطرفه استوارند، می‌توانند این احساس اعتماد و امنیت را در میان کاربران تقویت کرده و به افزایش نشاط اجتماعی بینجامند. همچنین یافته حاضر با پژوهش کالانتاری و همکاران نیز هم‌راستاست که نشان دادند میان سطح سرمایه اجتماعی و میزان نشاط اجتماعی جوانان رابطه‌ای مستقیم و مثبت وجود دارد (Kalantari et al., 2016).

نتیجه دوم پژوهش حاکی از آن است که نوع استفاده از شبکه‌های اجتماعی نیز تأثیر معناداری بر نشاط اجتماعی دارد. جوانانی که از شبکه‌های اجتماعی به‌صورت ارتباطی، فرهنگی یا آموزشی استفاده می‌کنند، نسبت به افرادی که صرفاً مصرف‌کننده منفعل محتوا هستند، از سطح بالاتری از نشاط اجتماعی برخوردارند. این یافته با نتایج پژوهش اشاییری و پروار هم‌سو است که در فراتحلیل خود نشان دادند نوع تعاملات اجتماعی و کیفیت ارتباطات نقش تعیین‌کننده‌ای در احساس شادکامی و رضایت اجتماعی دارد (Ashairi & Parvar, 2023). به‌عبارتی، مشارکت فعال در فعالیت‌های جمعی، تبادل نظر و انجام تعاملات سازنده در شبکه‌های اجتماعی می‌تواند حس ارزشمندی و تعلق به اجتماع را در کاربران تقویت کند و در نتیجه به افزایش نشاط اجتماعی بینجامد.

در همین راستا، نتایج پژوهش خجیر نیز بیانگر آن است که سطح سلامت اجتماعی و روانی افراد با میزان استفاده هدفمند از شبکه‌های اجتماعی در ارتباط است (Khujir, 2020). خجیر تأکید دارد که تعاملات معنادار در فضای مجازی، احساس کارآمدی اجتماعی را افزایش می‌دهد، در حالی که استفاده غیرهدفمند و افراطی می‌تواند به بیگانگی اجتماعی بینجامد. یافته حاضر همچنین با مطالعه جهان‌بانی هم‌خوان است که نشان داد استفاده از شبکه‌های اجتماعی با سلامت روانی مدیران مدارس رابطه مثبت دارد، مشروط بر اینکه استفاده از این شبکه‌ها در جهت اهداف آموزشی و فرهنگی باشد (Jahanbani, 2018).

از منظر جامعه‌شناختی، این یافته را می‌توان با نظریه مشارکت اجتماعی کلمن نیز تبیین کرد. بر اساس این نظریه، روابط اجتماعی مؤثر و مشارکت فعال در شبکه‌ها باعث ارتقای عزت‌نفس، افزایش تعلق اجتماعی و بروز احساس مثبت نسبت به جامعه می‌شود (Coleman, 2018). به علاوه، آتابکی و همکاران نیز در تحلیل خود از دیدگاه‌های روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، به این نتیجه رسیدند که شادکامی اجتماعی زمانی تحقق می‌یابد که افراد بتوانند تعاملات خود را در بستر ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی معنا کنند و در این تعاملات احساس هدفمندی و مفید بودن داشته باشند (Atabaki et al., 2025). از این رو، نوع استفاده از شبکه‌های اجتماعی، در صورتی که با اهداف فرهنگی و اجتماعی همسو باشد، می‌تواند عاملی تقویت‌کننده برای نشاط اجتماعی جوانان باشد.

سومین یافته پژوهش نشان داد که میزان اعتماد به کاربران شبکه‌های اجتماعی تأثیر مستقیمی بر نشاط اجتماعی دارد. بدین معنا که هرچه اعتماد جوانان به کاربران و محتوای منتشرشده در شبکه‌های مجازی بیشتر باشد، احساس نشاط و رضایت اجتماعی آنان نیز افزایش می‌یابد. این نتیجه با یافته‌های پژوهش خضر و همکاران و نیز پژوهش حسینی‌نژاد و همکاران در زمینه نقش اعتماد اجتماعی بر سلامت روان و نشاط هم‌راستاست که اعتماد را یکی از مؤلفه‌های اساسی سلامت اجتماعی می‌دانند (Khoshroo et al., 2022). از سوی دیگر، این یافته با تحلیل‌های سامیعی اصفهانی و همکاران نیز همسو است؛ آنان بیان می‌کنند که روابط اجتماعی مثبت و مبتنی بر اعتماد، حتی در شرایط استرس‌زا، نقش محافظتی در برابر احساس نارضایتی و بی‌نشاطی ایفا می‌کند (Samiei Esfahani et al., 2018).

تأیید این یافته را می‌توان در نظریه پانتام نیز جستجو کرد. پانتام در کتاب «دموکراسی و سنت‌های مدنی» بیان می‌کند که اعتماد اجتماعی، هسته اصلی سرمایه اجتماعی است و جامعه‌ای که در آن سطح اعتماد بالا باشد، از کیفیت زندگی، سلامت روان و نشاط اجتماعی بیشتری برخوردار خواهد بود (Pantam, 2011). در فضای مجازی نیز اعتماد به کاربران، اطلاعات و تعاملات می‌تواند جایگزین اعتماد چهره‌به‌چهره در جوامع سنتی شود و به همان میزان احساس تعلق و رضایت را افزایش دهد. همچنین یافته حاضر با نتایج پژوهش جهان‌باز و همکاران هم‌خوان است که نشان دادند استفاده آگاهانه از شبکه‌های اجتماعی می‌تواند همبستگی اجتماعی را تقویت کند و در نتیجه به ارتقای نشاط اجتماعی منجر شود (Jahanibazeh, 2019).

نتایج این پژوهش در مجموع، مؤید آن است که شبکه‌های اجتماعی مجازی به‌عنوان ابزارهای جدید ارتباطی، در صورتی که با تعامل هدفمند و آگاهانه همراه باشند، می‌توانند نقش مثبتی در ارتقای نشاط اجتماعی ایفا کنند. این نتیجه با دیدگاه نظریه‌پردازان اجتماعی همچون هومنز و مارکس نیز همسو است؛ زیرا همان‌گونه که نظریه بیگانگی اجتماعی بیان می‌کند، زمانی که فرد در جامعه احساس تعلق و مشارکت داشته باشد، بیگانگی و نارضایتی کاهش یافته و احساس شادکامی جایگزین می‌شود (Hezar Jaribi & Moradi, 2014). همچنین، یافته‌های این تحقیق با نتایج مطالعات افشانی در زمینه شادی جوانان یزدی نیز مطابقت دارد که نشان دادند سطح ارتباطات اجتماعی و رضایت از تعاملات روزمره، نقش تعیین‌کننده‌ای در افزایش احساس نشاط دارد (Afshani, 2013).

از سوی دیگر، تحلیل مقایسه‌ای نتایج با پژوهش شریف‌زاده و همکاران که عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی در ایران را بررسی کرده‌اند، نشان می‌دهد که متغیرهایی نظیر مشارکت اجتماعی، حمایت روانی و تعاملات مجازی مثبت از پیش‌بینی‌کننده‌های اصلی نشاط اجتماعی هستند (Sharifzadeh et al., 2017). آنان تأکید کرده‌اند که در شرایط گذار فرهنگی و اجتماعی، ارتباطات مجازی می‌تواند به بستری برای بازتولید امید، تعلق و نشاط اجتماعی تبدیل شود. این تحلیل با یافته حاضر هم‌جهت است که نشان داد شبکه‌های اجتماعی نه تنها ابزار ارتباطی بلکه عامل شکل‌دهنده احساسات جمعی و تجربیات اجتماعی نوین هستند.

در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که یافته‌های این پژوهش از یک سو با نظریات جامعه‌شناختی کلمن و پانتام درباره نقش سرمایه اجتماعی در افزایش شادکامی و از سوی دیگر با مطالعات تجربی انجام‌شده در ایران درباره تأثیر ارتباطات اجتماعی و اعتماد بر نشاط اجتماعی همسو است (Coleman, 2018; Pantam, 2011). به عبارت دیگر، شبکه‌های اجتماعی مجازی در عصر کنونی، عرصه‌ای نوین برای شکل‌گیری سرمایه

اجتماعی و بازتولید اعتماد اجتماعی هستند که در صورت هدایت صحیح می‌توانند موجب ارتقای سلامت روان و نشاط اجتماعی نسل جوان شوند.

این پژوهش همچون سایر مطالعات اجتماعی با محدودیت‌هایی روبه‌رو بوده است. نخست، ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بوده و ممکن است برخی از پاسخ‌دهندگان به دلایل فردی یا اجتماعی پاسخ‌های غیرواقعی ارائه کرده باشند. دوم، پژوهش حاضر به‌صورت مقطعی انجام شده و بنابراین نمی‌توان درباره علیت میان متغیرها به‌صورت قطعی قضاوت کرد. سوم، جمعیت آماری محدود به جوانان شهر تبریز بوده و نتایج قابل تعمیم به کل جامعه ایران نیست. همچنین، برخی متغیرهای مداخله‌گر مانند وضعیت اقتصادی، سطح سواد رسانه‌ای یا سلامت روانی فردی کنترل نشده‌اند که ممکن است بر سطح نشاط اجتماعی اثرگذار باشند.

۱۰

پژوهشگران آینده می‌توانند با استفاده از روش‌های کیفی مانند مصاحبه‌های عمیق یا گروه‌های متمرکز، درک دقیق‌تری از تجربه زیسته جوانان در فضای مجازی و تأثیر آن بر احساس نشاط اجتماعی به‌دست آورند. همچنین انجام مطالعات طولی به‌منظور بررسی پویایی رابطه میان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و نشاط در طول زمان توصیه می‌شود. گسترش جامعه آماری به سایر گروه‌های سنی، اقشار شغلی و مناطق جغرافیایی نیز می‌تواند به افزایش قابلیت تعمیم نتایج کمک کند. در نهایت، ترکیب روش‌های کمی و کیفی برای تبیین ابعاد پنهان‌تر رابطه میان اعتماد مجازی و سرمایه اجتماعی پیشنهاد می‌شود.

نتایج این پژوهش می‌تواند برای نهادهای فرهنگی، آموزشی و سیاست‌گذاران اجتماعی سودمند باشد. پیشنهاد می‌شود برنامه‌های آموزشی برای ارتقای سواد رسانه‌ای و تقویت فرهنگ استفاده آگاهانه از شبکه‌های اجتماعی تدوین شود. نهادهای جوانان و مراکز فرهنگی می‌توانند از ظرفیت شبکه‌های اجتماعی برای ترویج فعالیت‌های هنری، فرهنگی و عام‌المنفعه بهره گیرند. همچنین توصیه می‌شود برنامه‌ریزان اجتماعی بر ایجاد محیط‌های مجازی ایمن و اعتمادساز تمرکز کنند تا امکان تعامل مثبت، تبادل تجربیات و تقویت سرمایه اجتماعی در میان جوانان فراهم شود. در نهایت، ترویج محتواهای امیدبخش و ارتباطات اخلاقی‌مدارانه در فضای مجازی می‌تواند گامی مؤثر در جهت افزایش نشاط اجتماعی در جامعه باشد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

Extended Abstract

Introduction

In modern societies, the rapid transition from traditional structures to digital and networked forms of interaction has significantly transformed social relationships, cultural values, and individual well-being. One of the most important sociological concepts linked to this transformation is *social vitality*, which refers to the collective sense of happiness, social belonging, and satisfaction individuals derive from their interactions within the community (Atabaki et al., 2025). Social vitality is no longer viewed as merely an individual psychological state but rather as a multidimensional social phenomenon influenced by cultural, economic, and technological factors (Rabbani et al., 2007). Within this context, the rise of social networking platforms has reshaped interpersonal communication, creating new opportunities and challenges for social cohesion and well-being among youth (Akhavan Malayeri et al., 2014).

According to sociological theories, social vitality is deeply intertwined with *social capital* and *trust*. Coleman defines social capital as the set of networks, norms, and mutual trust that facilitate coordination and cooperation among individuals for mutual benefit (Coleman, 2018). Similarly, Pantam emphasizes that societies with stronger social trust and civic engagement enjoy higher levels of happiness and collective well-being (Pantam, 2011). From this theoretical standpoint, social vitality can be viewed as both a result and an indicator of social capital, implying that as networks of communication and trust expand—whether in real or virtual spaces—collective happiness also increases.

Empirical studies conducted in Iran have shown that the overall level of social vitality remains moderate and requires systematic efforts for improvement. Sharifzadeh et al. reported that social happiness in Iran is influenced by social trust, participation, and mutual support, but persistent socio-economic stressors and limited opportunities for civic engagement have hindered the development of widespread social vitality (Sharifzadeh et al., 2017). National statistics also show that Iran's happiness index has fluctuated between 4 and 5 (on a 0–10 scale) from 2013 to 2023, positioning the country below the global average (Donyay-e-Eqtasad, 2019). This highlights the urgent need to identify the mechanisms that can foster social well-being, especially among young people, who form the driving force of societal progress (Afshani, 2013).

In recent years, virtual social networks have become one of the most influential determinants of youth behavior and psychological health. Platforms such as Instagram, Telegram, and X (Twitter) have not only expanded communication but also redefined social participation and identity construction among adolescents and young adults (Khujir, 2020). However, the effect of these networks on social vitality is not unidirectional. While they can strengthen communication, increase access to information, and enhance belonging, they can also produce alienation, reduced face-to-face interactions, and emotional fatigue (Hezar Jaribi & Moradi, 2014). Therefore, understanding whether and how social media contributes to social vitality depends largely on the *amount of use*, *type of use*, and *level of trust* users have toward other network members (Jahanbani, 2018).

Research on this topic in Iran has produced mixed findings. For instance, Akhavan Malayeri et al. found that social media participation positively predicts users' happiness and social cohesion through increased opportunities for communication and emotional expression (Akhavan Malayeri et al., 2014). Conversely, Mohseni Tabrizi and Sedaghati Fard warned that excessive or unregulated use of social networks may contribute to *social indifference* and the weakening of interpersonal trust (Mohseni Tabrizi & Sedaghati Fard, 2011). A recent meta-analysis by Ashairi and Parvar confirmed that trust, participation, and perceived justice are the strongest predictors of social vitality in both online and offline contexts (Ashairi & Parvar, 2023).

Based on these insights, the present study aims to provide a sociological analysis of the impact of social networks on social vitality among the youth of Tabriz. It specifically investigates three key variables—(1) the amount of social network use, (2) the type of social network use, and (3) the level of trust in social network users—as predictors of social vitality. The study is grounded in theories of social capital (Coleman), civic trust (Pantam), and sociological perspectives on happiness (Atabaki et al.), all of which highlight the interdependence between social structure, trust, and individual well-being. The findings contribute to the growing body of literature on digital sociology by illustrating how virtual interaction patterns shape collective emotions and social cohesion in a transitional society such as Iran.

Methods and Materials

The study employed a quantitative and applied research design. It used a survey method to collect data from a sample of 230 young people aged 15–30 years residing in Tabriz, selected through chain sampling. Data were gathered using two standardized questionnaires: (1) Jahanbani's (2018) *Social Networks Questionnaire*, which measures three subscales—amount of use, type of use, and trust in users—and (2) the *Oxford Social Vitality Questionnaire* (1989), which assesses five dimensions of social well-being on a five-point Likert scale. The reliability of the instruments was verified using Cronbach's alpha coefficients of 0.85 and 0.97, respectively. Descriptive statistics (mean and standard deviation) were used to describe the demographic and main research variables. Inferential analysis employed bivariate regression tests using SPSS 27 to assess the predictive power of the independent variables (social network subscales) on the dependent variable (social vitality). The assumptions of normality and independence of residuals were tested using the Kolmogorov–Smirnov and Durbin–Watson tests, respectively, confirming the suitability of the regression analysis.

Findings

The descriptive results indicated that most participants were female, with an average age of 22 years and a bachelor's degree as their most common educational level. The mean score for the *amount of social network use* was 20.56, showing that young people use social media extensively. In the *type of use* dimension, the mean for communicative use (12.27) was higher than for recreational (8.34) or practical (8.42) purposes, suggesting that youth primarily use social networks for interpersonal connection rather than entertainment or instrumental goals. The *trust in social network users* scored a mean of 13.99, reflecting moderate trust levels. The *social vitality* mean was 104.81, indicating that the participants generally reported high levels of social vitality. Inferential statistics revealed that all three subscales of social networks significantly predicted social vitality. The *amount of use* had the strongest effect ($\beta=0.63$, $R^2=0.40$, $F=151.35$, $p<0.001$), suggesting that higher engagement in social networks is associated with higher levels of social vitality among youth. The *type of use* also significantly predicted social vitality ($\beta=0.53$, $R^2=0.29$, $F=92.02$, $p<0.001$), implying that meaningful and interactive uses of social media enhance social well-being. Finally, the *level of trust in social network users* showed a positive and significant effect ($\beta=0.54$, $R^2=0.30$, $F=95.04$, $p<0.001$), confirming that trust among online users strengthens feelings of belonging, safety, and collective happiness.

Discussion and Conclusion

The results of this study confirm that social networks can play a constructive role in enhancing social vitality when used with purpose and trust. The strong relationship between the *amount of use* and *social vitality* demonstrates that active engagement in social media creates new opportunities for communication, emotional expression, and social support, which collectively foster happiness and belonging. This finding aligns with Coleman's theoretical perspective that the expansion of social networks strengthens social capital, thereby promoting well-being and trust. It also resonates with Akhavan Malayeri et al.'s findings, which emphasize that social media participation allows individuals to access emotional and informational resources that contribute to happiness and psychological resilience.

The significant effect of the *type of use* highlights that not all social media activities contribute equally to well-being. When users engage in communicative, educational, or community-oriented interactions, their sense of purpose and connection grows, increasing their overall social vitality. Conversely, purely recreational or passive consumption of content may fail to yield similar benefits. These results correspond to the findings of Ashairi and Parvar, who observed that active social participation and meaningful online engagement are crucial determinants of social vitality. The findings also echo Atabaki et al.'s interpretation of happiness as a social construct rooted in value-oriented interactions and cultural participation.

The positive influence of *trust* on social vitality suggests that social cohesion in virtual communities depends on the perceived reliability and integrity of social relationships. When individuals trust one another online, they experience lower anxiety, greater emotional security, and stronger social belonging. This observation reflects Pantam's argument that trust forms the moral foundation of democratic and cohesive societies, and its presence enhances both individual happiness and collective well-being. In virtual environments, trust compensates for the absence of physical proximity and face-to-face interactions, allowing users to maintain emotional stability and social harmony.

Overall, the findings indicate that social networks act as dynamic spaces where social capital, trust, and vitality intersect. In societies undergoing modernization—such as Iran—virtual communities have become essential for preserving social connectedness, especially among youth who face economic uncertainty and rapid cultural change. Therefore, the key challenge is not whether young people should use social networks but how they can use them in ways that enhance well-being. Social networks can promote vitality through activities that foster cooperation, cultural dialogue, and collective creativity, while unregulated or distrustful engagement may erode these benefits.

This study also contributes theoretically by reaffirming the sociological linkage between digital communication and social well-being. It extends previous frameworks by empirically validating the mediating role of trust in digital environments and illustrating how virtual social capital operates similarly to its traditional counterpart. The study's results suggest that digital literacy, emotional intelligence, and ethical norms are essential for sustaining social vitality in online settings.

In conclusion, the study provides evidence that social networks—when used consciously and trustfully—enhance social vitality among young people. The amount of use, type of use, and trust in network users are significant predictors of youth happiness, belonging, and social well-being. Strengthening digital trust and promoting meaningful engagement can therefore serve as strategic pathways to improve collective mental health and social harmony. Future efforts by educators, policymakers, and cultural institutions should focus on fostering responsible social media participation, encouraging community-oriented online behaviors, and integrating virtual networks into broader programs for social development.

References

- Afshani, A. (2013). Investigating the level of social happiness among Yazdi youth and its related factors. *Journal of Social Analysis*, 4(69). https://jgusd.um.ac.ir/index.php/article_41528.html?lang=en
- Akhavan Malayeri, F., Noghani, M., & Khorasani, M. (2014). Virtual social networks and happiness. *Journal of Media and Culture*, 4(2), 24-21. https://mediastudy.ihcs.ac.ir/article_1487.html?lang=en
- Ashairi, T., & Parvar, T. J. (2023). Factors affecting social vitality: Meta-analysis of researches. https://rahbordfarhangi.csr.ir/article_155479.html
- Atabaki, J., Yarmohammadi, M., & Imamjoma, F. (2025). Components of individual and social happiness from the perspective of Islam and the theories of psychology and sociology. *Journal of Interdisciplinary Studies of Jurisprudence*(1). https://journals.iau.ir/article_698674.html
- Coleman, J. (2018). *Foundations of Social Theory*. Tehran: Ney Publishing. https://books.google.com/books/about/Foundations_of_Social_Theory.html?id=a4DI8tiX4b8C
- Donyay-e-Eqtesad, N. (2019). Social well-being in Iran. <https://donya-e-eqtesad.com>

- Hezar Jaribi, J., & Moradi, S. (2014). Social vitality and its related factors (a study among students of Allameh Tabatabaee University). *Quarterly Journal of National Studies*, 15(4), 3-28. https://www.rjnsq.ir/article_97100.html
- Jahanbani, N. (2018). *Investigating the relationship between networks and social media on the mental health of primary school principals in Chabahar city* Master's thesis, Islamic Azad University, Bandar Jask Branch].
- Jahanibazeh, A. (2019). Investigating the effect of virtual networks on teachers' social well-being. *Journal of Social Work*, 1(3). <https://civilica.com/doc/1966126/>
- Kalantari, A., Keshavarz, A., & Momeni, H. (2016). Relationship between social capital and social vitality of Dehloran city youth. *Journal of Social Work Research*, 3(10). https://rjsw.atu.ac.ir/article_9371.html
- Kaspersen, L. (2000). *Anthony Giddens: An Introduction in a Social Theorist*. Blackwell Publishers. <https://www.amazon.com/Anthony-Giddens-Introduction-Social-Theorist/dp/0631207341>
- Khoshroo, Z., Rahmani Khalili, E., & Turkaman, F. (2022). Teachers' Social Vitality, Support Approach and Social Health. *Iranian Sociological Review*, 12(4), 1-13. <https://iase-jrn.ir/index.php/se/article/view/327?articlesBySimilarityPage=12>
- Khuji, J. (2020). Investigating factors affecting social well-being among students. *Journal of Social Work*, 3(12).
- Mohseni Tabrizi, A., & Sedaghati Fard, M. (2011). A study on social indifference in Iran, case study: Tehrani citizens. *Journal of Applied Sociology*, 43(3), 22-21. <https://sid.ir/paper/154967/fa>
- Pantam, R. (2011). *Democracy and Civil Traditions*. Translated by Mohammad Taghi Delforuz, Tehran, Salam Publishing House. <https://jisem-journal.com/index.php/journal/article/download/8759/4031/16284>
- Rabbani, R., Rabbani, A., Abedi, M., & Ganji, M. (2007). Culture and happiness: A theoretical and empirical approach to the daily lives of household heads in Isfahan. *Quarterly Journal of Cultural and Communication Studies*, 3(8), 41-78. <https://www.sid.ir/paper/118107/fa>
- Samiei Esfahani, A. R., Pourdanesh, S., & Danesh, H. (2018). Social factors affecting teachers' social vitality (case study). *Iranian Association of Sociology of Education*, 6(6), 186-200. <https://www.ensani.ir/fa/article/590684/>
- Sharifzadeh, H., Mirmohammadtabar, A., & Adlipour, P. (2017). Study of factors affecting social vitality in Iran. *Rahdafa Farhang*, 40, 159-180. <https://sid.ir/paper/149199/fa>
- Zare Shahabadi, I., Mobaraki, M., & Ferdowsizadeh, A. (2015). Analysis of the relationship between social vitality and addiction tendency among 18-30 year old youth in Yazd city. *Journal of Contemporary Sociological Research*, 4(6), 174-145. https://csr.basu.ac.ir/article_1426.html